

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّسی طباطبائی نرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال یازدهم - سال تحصیلی ۹۳-۹۴

جلسه ۵۱ - سه‌شنبه ۹۳/۱۱/۱۴

به حسب أدله و فتاوی فقهاء به نظر می‌رسد که قول به شرطیت جامع بین طهارت واقعیه و ظاهریه در صلاة با یک اصلاح توضیحی، قول مناسب‌تری است. البته رسیدگی دقیق به این مسأله در فقه انجام می‌شود. بالجمله مناسب آن است که گفته شود: طهارت واقعیه شرطِ صلاة است و اگر این طهارت نبود در طول آن، طهارت ظاهریه قرار دارد و مراد از طهارت ظاهریه اعمّ از این است که با قطع خطائی حاصل شده باشد یا با اماره و یا اصل محرز یا اصل غیر محرز؛ یعنی باید نوعی مؤمن نسبت به طهارت واقعیه و تخلف از آن موجود باشد. در حقیقت اینکه طهارت ظاهریه را کافی می‌دانیم به این معنا نیست که طهارت مفاد اماره یا اصل باشد، بلکه اگر به قطع خطائی نیز احراز شود که شارع دخالتی ندارد، باز کافی در صحت صلاة است. این قول با کثیری از روایات و فتاوی اعلام مطابقت دارد و همان‌گونه که بیان شد ذکر ادله‌ی این قول و بررسی روایات باب در فقه صورت می‌گیرد.

به هر حال تعلیلی که در روایت آمده است مربوط به صغری است؛ یعنی مربوط به آن است که: ای زراره تو ظاهراً دارای طهارت هستی، در نتیجه باید در این میان، امری مفروغٌ عنه در نظر گرفته شود که کبرای قضیه قرار گیرد و آن کبرای معلوم، کفایت جامع بین طهارت واقعی و ظاهری در صحت صلاة است. طهارت ظاهری در این مورد خاص که دارای سابقه‌ی طهارت واقعی بوده است با استصحاب درست می‌شود و چون نزد زراره معلوم بوده است که جامع بین طهارت واقعی و ظاهری در صحت صلاة کافی است، امام علیه السلام فقط تحقق صغری را متعرض شده‌اند.

بنابراین راه‌حل مذکور از راه‌حل اوّل و جواب مرحوم آخوند به واقع نزدیک‌تر است، گرچه اشکالی شبیه اشکال کلام آنها را نیز دارد ولی التزام به اینکه این کبری به این نحو نزد زراره معلوم بوده است به

واقع نزدیکتر است.

نظریه‌ی مرحوم نائینی در دفع اشکال به فقره‌ی سوم صحیح‌هی دوم زراره

بیان شد بنابر احتمال سوم در فقره‌ی سوم صحیح‌هی دوم زراره اگر کسی إعادة‌ی صلاة کند نقض یقین به شک نکرده است بلکه نقض یقین به یقین کرده است، پس تعلیل با معلل مناسبت ندارد. در دفع این اشکال، أعلام و جوهی بیان کردند. محقق نائینی رحمته الله نیز دو پاسخ بیان کرده‌اند که به نقل و نقد آنها می‌پردازیم.

راه اول محقق نائینی رحمته الله در دفع اشکال، مبتنی بر مانعیت علم به نجاست^۱

خلاصه‌ی سخن ایشان آن است که: حُسن تعلیل از این جهت است که در باب طهارت و نجاست، آنچه دخیل در صلاة می‌باشد مانعیت علم به نجاست است و آن نیز نه از حیث اینکه علم کاشف از واقع است یا صفت قائمه به نفس است، بلکه از این حیث که منجز است و در اینجا موجب تنجیز احکام نجاست می‌شود. بنابر این مبنا طهارت در نماز شرط نمی‌باشد، بلکه آنچه در صلاة مأخوذ است مانعیت علم به نجاست است از حیث اینکه این علم موجب تنجز احکام نجاست می‌شود. لامحاله امام علیه السلام که تعلیل فرمودند: «لأنك كنت على يقين من طهارتك ثم شككت ...» خواسته‌اند زمینه را آماده کنند تا علت عدم بطلان نماز یعنی نبود مانع، در ذهن زراره منقذ شود.

علت صحت نماز منجز نبودن نجاست بوده است زیرا مانع، علم به نجاست از حیث تنجیز است؛ یعنی اگر نجاستی وجود داشت ولی منجز نبود نماز صحیح است، لهذا حضرت علیه السلام فرمودند از آنجا که مسبوق به طهارت بوده‌ای و استصحاب طهارت داشته‌ای، لامحاله اگر نجاستی هم فی الواقع باشد احکام آن بر تو منجز نخواهد بود و از آنجا که نجاست منجزه مانع صلاة است و لیس إلا، پس نماز تو صحیح است.

۱. فوائد الاصول، ج ۴، ص ۳۴۶:

و أما على الوجه الثاني: و هو كون العلم بالنجاسة مانعا عن صحة الصلاة، فيستقيم التعليل أيضا، سواء كان اعتبار العلم لكونه منجزا أو لكونه طريقا، و سواء كانت العلة المجموع المركب من المورد و الاستصحاب و هو قوله عليه السلام «لأنك كنت على يقين من طهارتك فشككت و لا ينبغي لك أن تتقضى اليقين بالشك» أو كانت العلة خصوص الاستصحاب و إنما ذكر المورد توطئة لذكر العلة، فإن التعليل بذلك إنما يكون لإفادة أن النجاسة في مفروض السؤال ليس لها منجز، لعدم العلم بها تفصيلا أو إجمالا، و الشك فيها ملغى بحكم الاستصحاب فلا موجب لإعادة الصلاة، لأنه لم يتحقق ما أخذ موضوعا لوجوب الإعادة، فإنه لم يحصل ما يوجب تنجيز أحكام النجاسة، و المفروض: أن الموضوع لوجوب الإعادة هي النجاسة المنجزة بوجه.

نقد و بررسی راه حل اول محقق نائینی رحمته الله

حقیقت آن است که اگر فرضاً مانعیت نجاست معلومه از حیث تنجیز، مأخوذ در صلاة باشد باز اشکال مذکور (نقض یقین به یقین) دفع نمی‌شود؛ زیرا مناسب آن بود که در این صورت حضرت بفرمایند نجاست موجوده منجز نبوده است و وقتی منجز نبود پس نماز زراه صحیح بوده است، در حالی که چنین مطلبی نفرمودند بلکه سراغ یکی از راه‌های عدم تنجیز یعنی استصحاب طهارت رفته‌اند، لذا با معلل مناسبت ندارد. لذا این پاسخ نیز مانند پاسخ اول و جواب آخوند رحمته الله مبتلای به آن است که خلاف ظاهر است؛ خصوصاً اینکه در تعلیل امام علیه السلام که لفظ طهارت را ذکر کردند، به نظر می‌رسد طهارت به عنوان خودش دخیل در نماز است، لذا این راه حل ابعداً از راه حل سابق است.

مبختی مختصر درباره‌ی کیفیت اشتراط طهارت یا عدم نجاست در نماز

استقصاء درباره‌ی این موضوع یک بحث فقهی است و جایگاهش اینجا نیست، اما از آنجا که نوعاً متأخرین از معاصرین در اینجا فی‌الجمله به این مسأله پرداخته‌اند مختصری در این باره سخن خواهیم گفت.

بر حسب آنچه نقل شده است^۱ در باب نقش طهارت و نجاست در نماز سه قول موجود است:

۱. طهارت، شرط نماز است.

۲. نجاست، مانع از نماز است.

۳. هر دو مأخوذ در نماز هستند.

فرمایش سید خویی رحمته الله درباره‌ی اشتراط طهارت و دخالت عدم نجاست، هر دو در نماز

مرحوم سید خویی آن‌گونه که در مصباح الاصول آمده است^۲ قول سوم را قابل بررسی نمی‌دانند؛ زیرا چنین جعلی که وجود یک شیء شرط باشد و ضد آن مانع باشد، محال است لاسیما در ضدینی که لا ثالث لهما مانند حرکت و سکون؛ یعنی نمی‌توان گفت در نماز مثلاً طمأنینه شرط است و در عین حال، حرکت

۱. مصباح الاصول (ط - مؤسسة احیاء الآثار)، ج ۲، ص ۶۳:

و تحقیق المقام يقتضى التکلم فى ترتب الثمرة على النزاع المعروف بينهم من أن الطهارة شرط فى الصلاة، أو أن النجاسة مانعة عنها، فقال بعضهم بالأول وبعضهم بالثانى، وبعضهم جمع بينهما فقال بشرطية الطهارة ومانعية النجاسة.

۲. همان:

أما القول الأخير فلا يمكن الالتزام به، لما تقدم فى بحث اجتماع الأمر و النهى من أنه يستحيل جعل الشىء شرطاً و ضده مانعاً و لا سيما فى ضدین لا ثالث لهما، فلا يمكن جعل الطمأنينة شرطاً و الحركة مانعاً، و القيام شرطاً و القعود مانعاً و هكذا، فیدور الأمر بين القولین الآخرين.

مانع است؛ جعل این چنینی محال است.

یا در نماز قیام را شرط بدانند و قعود را مانع قرار دهند، مثل این شروط محال است به دلیل آنکه لغو است؛ زیرا به اعتبار یکی، قطعاً دیگری نیز وجود دارد و دو اعتبار لغو است و لغو از حکیم صادر نمی‌شود. وقتی شارع مقدس طمأنینه را در صلاة شرط کرد، کسی که این شرط را دارد قطعاً فاقد حرکت است و لذا معنا ندارد هم طمأنینه را اعتبار کند و هم حرکت مانع باشد و جعل اعتبار هر دو لغو می‌باشد. بنابراین قول سوم در نظر ایشان قابل بحث نیست.

نقد و بررسی فرمایش سید خوئی رحمته الله علیه

اگر کسی در عالم تکوین، اثرات تکوینی یک شیء را لحاظ کند فرمایش سید خوئی رحمته الله علیه درست است و اگر یکی از دو ضد، لاسیما ضدین لا ثالث لهما، مأخوذ در مرکب باشد معنا ندارد که عدم دیگری به عنوان شرط أخذ گردد، ولی از آنجا که ممکن است شارع در مرکبات اعتباری برای کیفیت احراز شرط و کیفیت امتثال آن احکام خاصی قرار داده باشد و نیز برای احراز عدم مانع و کیفیت امتثال نسبت به آن نیز آثار خاصی قرار داده باشد و عندالشک احکامی متفاوت نسبت به شرط و مانع داشته باشد، لهذا چنین دو جعلی لغو نخواهد بود و در نتیجه مکلف چه بسا در مقام احراز مجبور باشد هر دو را احراز کند. پس اخذ هر دو در صلاة محال نیست.

فرمایش محقق اصفهانی رحمته الله علیه در نسبت طهارت و نجاست و دخالت هر یک در نماز^۱

محقق اصفهانی رحمته الله علیه نوع دیگری وارد بحث شده‌اند و فرموده‌اند اساساً طهارت و نجاست ضدین نمی‌باشند بلکه وجود و عدم هستند. نجاست امری وجودی است و طهارت همان عدم النجاسة است، لهذا چه بگوییم طهارت شرط در نماز است چه بگوییم نجاست مانع است، تفاوتی ندارد؛ زیرا مانعیت نجاست به معنای لزوم برداشتن نجاست است که شرطیت عدم النجاسة است و عدم النجاسة همان طهارت است و لهذا این دو مبنا هیچ تفاوتی ندارند.

۱. نهاية الدراية في شرح الكفاية (ط - قدیم)، ج ۳، ص ۸۲:

... و الذي يوافق الاخبار، و فتاوى علمائنا الأخيار هذا الوجه الأخير، و ليست الطهارة الواردة في الروايات و الكلمات إلّا عدم النجاسة، فان النجاسة هي القذارة المنفرة شرعاً واقعاً، كما انها عرفاً كذلك، فالطهارة ليست إلّا الخلو عنها، و ليست هي - كالتطهارة من الحدث - أمراً وجودياً، و حالة معنوية نورانية، و النجاسة إذا كانت مانعة فعدمها شرط. و لهذا - تارة - يقال: بأن النجاسة مانعة، و - أخرى يقال: إن الطهارة شرط.

مقرر: سيد حامد طاهري

ويرايش و استخراج منابع: محمد عبدالهي